

■ **یکشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۱**

■ **سال دوازدهم ■ شماره ۲۲۷۱**

کشاوری - اجتماعي

کوچه‌هایی برای دورزدن قانون



سیهرغرب، گروه کشاورزی، عباس سریشی- بررسی‌ها و مشاهدات میدانی مؤید این واقعیت است که سررشته و علت بروز ترافیک در مرکز شهر همدان اساساً نه به خیابان بلکه به کوچه‌پس کوچه‌ها برمی‌گردد.

ترافیک، ترافیک و بازهم تا چشم یاری می‌کند خودروهایی که در هر کوچه پس‌کوچه و خیابان پارک شده و راه را بر مردم بسته‌اند، داستان مشترک همه شهرهای امروزی از جمله همدان است؛ گو آنکه در این ملغمه و آشفته‌بازار انسان و خودرو متراکم شده در خیابان‌های باریک شهر هم نمی‌توان انتظاری جز این داشت.

از دیدگاه صاحب‌نظران اصولاً ساختار ترافیک شهرها بر سه وجه انسانی، خودرو و راه بنا شده که طبعاً دستیابی به فرایند تسهیل در تردد مستلزم ایجاد تقارن و تعادل در میان این اضلاع است بنابراین هرگونه ضعف یا بی‌نظمی در عملکرد یکی از این عناصر، تمام رابطه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به چالش خواهد کشید.

طبعاً این یک اشتباه محاسباتی است اگر بخواهیم تمام و یا قسمت بیشتری از بار و مسئولیت ایجاد مشکل را به یک ضلع معطوف کرده و بر اساس همان طرز تفکر غلط نیز اقدام به چاره‌اندیشی، برنامه‌ریزی و یا ایجاد طرح‌های ترافیکی نماییم. یک روز عابران پیاده، روز دیگر خودرو و... و این‌که تجربه بارها به ما ثابت کرده بسیاری از همین طرح‌های یک‌سویه‌نگر نیز به مجرد اجرا صرفاً به دلیل عدم تطابق با نیاز واقعی و یا تکیه بر تعاریف کلی، خاکستری و مبهم نتوانسته و نمی‌توانند که حتی به صورت حداقلی نیز اهداف اصلی خود را دنبال و یا محقق سازند.

حالا اینکه چرا طرح‌های ترافیکی ما این‌گونه در بحران بی‌نظمی و بی‌تنجیکی فرو غلطیده و کمترین بازده کیفی را دارد پرسشی است که شاید پاسخ‌های متفاوتی را داشته باشد. ازاین‌رو برآن شدیم تا به‌صورت نمونه و با نیم‌نگاهی بر اجرای طرح محدوده ترافیکی میدان امام (ره) و سیستم مدیریت و اجرا و برخی حواشی آن به‌دنبال پاسخی قانع‌کننده برای این سؤال باشیم مصاف بر اینکه تلاش تمامی عوامل راهور در اجرای این برنامه را ستودنی و قابل تقدیر می‌دانیم اما...

برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی معتقدند یکی از معایب عمومی سازمان‌ها عدم دستیابی حداکثری به اهداف از پیش تعریف‌شده طراحان و نظریه‌پردازان است که گاهی به دلیل اتکا به کلی‌گویی، نقص قوانین، عدم دقت



به جزئیات و حواشی یا استنباط غلط مجریان و مدیران خُرد به وجود می‌آید. این انحراف دقیقاً زمانی به وجود می‌آید که مجرایانی که در سرپنجه‌های اجرایی قرار گرفته‌اند یا درک صحیح و شفاف‌ی از نیازها، حقایق و جریانات زنده میدانی، اهداف اصلی، جزئیات و یا خواسته‌های مدیران طرح ندارند و یا عملکردهای خود را نیز صرفاً بر اساس همان عبارات و کلمات کلی دستورالعمل منطبق می‌کنند.

مصاف بر اینکه مجریان حاضر در سرپنجه فرایند اجرا نیز معتقدند قدرت و توانایی آن‌ها نیز نهایتاً صرفاً بر اساس همان زمان‌بندی و یا فاقد قدرت اجرایی هستند ولو آنکه شاهد عمل خلاف قانون و یا مغایر با کلیات طرح نیز باشد. گرچه شاید علاقه‌ای نیز به انجام کاری مازاد بر مسئولیت خویش ندارند که چرایی امر نیز به‌نوبه خود جای بحث دارد زیرا بطور معمول آن‌ها مأمورانی معذور هستند که سعی می‌کنند یا را از محدوده و مسئولیت تعریف‌شده خویش بیرون نگذارند.

و حالا بر اساس تصمیم مدیریت شهری همدان سال‌هاست که طرح محدوده ترافیکی به‌عنوان تنها راهکار موجود جهت تسهیل در تردد خودروها در مسیرهای منتهی به میدان امام (ره) در حال اجراست که بر این اساس و در زمان اجرا به‌جز وسایل نقلیه عمومی، آمبولانس‌ها و یا خودروهای دولتی و... هیچ خودرویی حق ورود به این محدوده را ندارد.

البته هدف از اجرای این طرح سبک‌تر نمودن بار ترافیکی این منطقه در شلوغ‌ترین ساعات روز است تا در سایه آن شهروندان و خودروهای حمل‌ونقل عمومی بتوانند با راحتی بیشتر به مراکز خرید و خدمات دسترسی داشته و یا به امورات جاری خود بپردازند. گرچه نباید از نظر دور داشت که امروزه به علت ازدیاد جمعیت و یا تعدد

وسایل نقلیه عمومی، وجود چنین بار ترافیکی خصوصاً در ساعات پایانی روز تقریباً امری طبیعی است؛ اما درهرحال مشاهده تعداد بسیار زیادی خودروی شخصی در حال تردد و یا پارک شده در کوچه‌های منتهی به میدان و یا در همین زمان و مکان و به‌رغم کنترل شدید عوامل راهور به خودی خود موضوعی نیست که طبیعی قلمداد شده و یا جلب توجه ننماید. حالا البته بماند که تعداد زیادی از همین خودروهای شخصی نیز در قالب مسافركش به تنش‌های مربوط به تردد و ترافیک این محدوده دامن می‌زنند.

در این خصوص نتایج برخی بررسی‌ها و مشاهدات میدانی نشان‌دهنده این واقعیت است که سررشته و علت این معضل در یک سهم بالا نه به خیابان بلکه به کوچه‌پس‌کوچه‌ها برمی‌گردد. معاری تنگ و پیچ‌درپیچ مستثنی از قانون که به لطف آن‌ها، رانندگان می‌توانند قوانین محدوده طرح ترافیک را به‌سادگی دور زده و به کار کاسبی خویش برسند بی‌آنکه نگران جریمه، ترافیک و یا حتی توقف ناهنجار خودروهای خود برای سوار کردن مسافر باشند.

ابن بدان معناست ازآنجاکه قوانین محدوده ترافیکی و نحوه نظارت و اجرای آن توسط مأموران صرفاً منتهی به ساعات مشخص و یا مسیرهای اصلی منتهی به میدان امام شده و ظاهراً کوچه‌پس‌کوچه‌های مرتبط به این میدان مشمول این قانون نیست و یا از سوی دیگر خروج از میدان نیز شامل هیچ‌گونه بررسی و یا منع قانونی نیست بنابراین عمده رانندگان محترم با استناد به این منطق، جهت رفت از کوچه و جهت بازگشت از خیابان‌های اصلی استفاده می‌نمایند و عجیب اینکه ظاهراً در مقابل این استدلال آمیخته با مغلطه و سفسطه نیز عوامل راهور چاره‌ای جز سکوت نداشته و چه‌بسا برخی از این زحمت‌کشان هم در قبال مشاهده این تخلفات گسترده آشکار با توجیه اینکه فقط وظیفه کنترل خیابان اصلی بر عهده آن‌هاست و اینکه در آن خصوص مجاز و یا موظف به برخورد نیستند اقدام خاصی هم نمی‌کنند؛ کمبودی که به‌نوبه خود هم بر تشدید ترافیک می‌افزاید و هم بر ابهام قوانین و مقررات. حالا اما با توجه به وجود این معضل اکنون این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا دلیل بروز این مشکلات وجود نقص و ابهام در قانون است یا عدم اجرای کامل قوانین؟ موضع قانون و مجریان در برابر راه‌های فرار و دورزنی قوانین چیست؟ در نگاه خاص آیا کوچه‌ها نیز مشمول

قوانین این طرح می‌شوند یا نه که اگر اینگونه است این نقایص آشکار قوانین طرح ترافیکی از کجا نشأت می‌گیرد؟ سهل‌انگاری کارکنان راهور و یا فرصت‌طلبی بی‌حد حصر رانندگان؟ آیا باید قبول کنیم که می‌توان قوانین و مقررات را با اتکا به مغلطه و راه فرعی دور زد؟ گو اینکه اگر موضع صریح قانون مطلق بودن یا نبودن، مجاز یا ممنوعیت امری است پس این همه تعارضات آشکار از کجا و چگونه سرچشمه می‌گیرد؟ ابهام در قوانین دست چه کسی را بسته و پای چه کسی را آزاد می‌کند؟ راهوران یا رانندگان؟ در این هیاهوی فرصت‌طلبی تکلیف حقوق شهروندی، مقررات، ارزش‌ها و هنجارها چه می‌شود؟ البته هرچند عده‌ای معتقدند که به‌واسطه کمبود فضای شهری و افزایش تعداد خودروها این امر طبیعی بود در این مورد قانون فقط کمی خمانده می‌شود پس نباید حساسیت به خرج داد اما با احتساب همه لازم و ملزوم‌های زندگی شهری در سایه ارزش‌ها و هنجارها و به‌صورت خاص حقوق شهروندان یا اطمینان تمام باید گفت که در این مورد خاص ضمن استناد و اتکا به برخی براهین غلط و غیر کارشناسی، قانون علناً نقض و شکسته شده و ماحصل این تخلف نیز چیزی نبوده جز افزایش تردد و ترافیک حفقان‌آور در مرکز شهر به مدد جماعتی که در سایه بلاتکلیفی مجریان، قوانین را آشکارا در کوچه‌پس‌کوچه‌ها دور می‌زنند.

نگاهی سطحی به نحوه عملکردهای جاری در حوزه اجتماعی و شهری به‌نرات به ما گوشزد می‌کند که بسیاری از معایب و نواقص در تحقق اهداف و یا مسیرهای اجرا در اصل ابتدا ماحصل هدف‌گذاری برنامه‌ریزی‌های بعضاً غلط و متعاقباً در تدوین و تفهیم آن‌ها به زیرمجموعه‌هاست که باعث می‌شود نه خواسته مدیران به تمامی اجرا و نه تکلیف مجریان به‌صراحت مشخص باشد. قطعاً تا روزی که فقط محدود و محصور در گزاره و عبارات کلی قدم برداشته و صرفاً خود را مسئول به انجام همان عبارات کلی بدانیم نخواهیم توانست قدمی به پیش بگذاریم زیرا داشتن نگاه جامع و درعین‌حال ریزبین به مسائل و شرایط در ملازمت قدرت پردازش و کنکاش در گُنه معادلات اولین قدم پیشرفت است که به‌ظاهر و فعلاً از آن بی‌نصیبم و مشخص هم نیست تا چه زمان باید این وزنه ضعف بر پشت نظام تدوین و اجرای مقررات اجتماعی و ترافیکی شهر ما سنگینی کند؟

حفظ و تقویت هویت ملی، تسکین‌دهنده تب مهاجرت

بیگانگی با هویت ملی از مهدکودک‌ها آغاز می‌شود

سیهرغرب، گروه اجتماعی – عطیه صفی‌زاده؛ یک پژوهشگر و جامعه‌شناس با بیان اینکه بیکاری نقش بسزایی در افزایش مهاجرت جوانان دارد، عنوان کرد: اما شواهد نشان می‌دهد تعداد بیشماری از افراد کارمند و دارای شغل و منصب نیز در سال‌های اخیر از کشور خارج شدند؛ این امر بیانگر آن است که عوامل پشت پرده دیگری مثل بی‌توجهی به خواسته، نیاز و هویت ملی در مهاجرت افراد تأثیرگذار خواهد بود.

مهاجرت یک مسئله بسیار مهم و راهبردی در جوامع شناخته می‌شود، کشورها خواه آنکه مهاجرت‌پذیر باشند یا مهاجرت‌گریز متحمل تأثیرات بسیار زیاد و گاه جریان‌ناپذیری از افزایش هجرت افراد می‌شوند زیرا همان‌طور که می‌دانید در مهاجرت افراد شاهد از بین رفتن و یا از دست دادن مهم‌ترین سرمایه هر کشور که همان سرمایه انسانی و اجتماعی است هستیم.

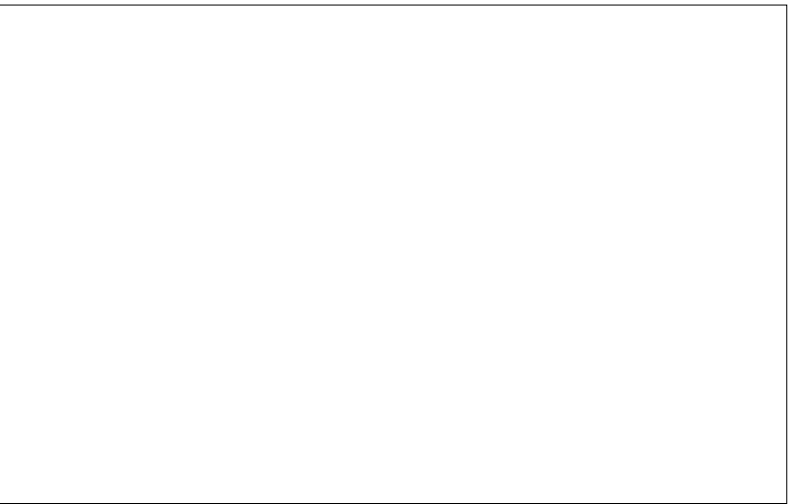
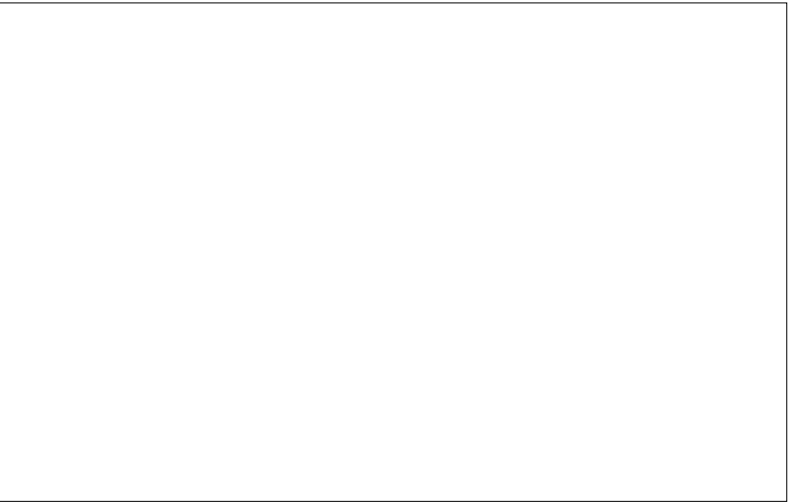
همان‌طور که می‌دانید عوامل بسیار زیاد اقتصادی، فرهنگی، بیکاری، اجتماعی و غیره بر میزان مهاجرت افراد تأثیرگذار هستند اما در مسئله مهاجرت بیش از هر چیز موضوع ضعف توجه و بی‌برنامگی در حفظ و تقویت هویت ملی چشم‌نوازی می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد فارغ از عوامل تأثیرگذار در این پدیده، آنچه بیش از همه در افکار عمومی خودنمایی می‌کند، ضعف جدی در عدم تثبیت و تقویت هویت ملی و ناسیونالیستی به ایران است. ریشه تزلزل در هویت ملی و ناسیونالیستی در افکار جوانان را می‌توان به دلیل نگاه‌های ایدئولوژیک و همراه با تعصب برخی از مسئولان، نهاده‌ا و ارگان‌های کشور در مواجهه با این افراد دانست.

به گفته بسیاری از افرادی که قصد مهاجرت دارند، می‌توان علت افزایش مهاجرت را در سال‌های اخیر، القای عقیده و تفکر فردی مسئولان به همگان و تزریق آنان در روح و فکر آحاد جامعه، بی‌توجهی به عقیده و خواست ساریرین، به‌ویژه جوانان دانست که همین علت خود منجر به حس دلسردی، سرخوردگی، ناچاری، تهایی و ناامیدی در جوانان می‌شود. در نهایت فرد برای رهایی از این همه فشار چاره‌ای جز ترک وطن پیش روی خود نمی‌بیند؛ زیرا به‌صورت طبیعی هر فردی درصدد ارتقای شرایط و امکانات خود و حمایت از اطرافیانش است.

حال با توجه به افزایش تب مهاجرت در تمام اقشار جامعه به‌خصوص جوانان و نخبگان با یکی از جامعه‌شناسان این حوزه به گفت‌وگو نشسته که نتیجه را باهم می‌خوانیم؛

این پژوهشگر اجتماعی با بیان اینکه هویت ملی مهم‌ترین سرمایه اجتماعی و فرهنگی هر کشوری محسوب می‌شود، عنوان کرد: تحقیقات مورخین و پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد آنچه کشورها را از گزند حوادث و اتفاقات در طول تاریخ مصون کرده، هویت ملی و میهنی است در واقع هر کشوری که به هویت ملی خود بیشتر



همان‌طور که گفته شد عوامل بسیاری همچون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در این موضوع تأثیرگذار هستند اما پیش از هر عامل دیگر فراموشی هویت ملی است که سبب می‌شود افراد دلسرد و ناامید شوند و ترجیح دهند که در کشورهای دیگر باید کار کنند حتی اگر شغل بسیار سخت و زمان‌بر باشد چراکه اعتقاد دارند در آن کشورها برابری وجود دارد و پس از چندین سال سخت کار کردن می‌توان به پیشرفت رسید. موضوع بسیار دردناکی که در چند سال اخیر به دلایل همچون آشناگرایی و غیره جوانان را تحت تأثیر قرار داده است که امید می‌رود در دولت مردمی جدید توجه جدی‌تری به خواسته‌ها و نیازهای تمام اقشار جامعه به‌خصوص جوانان و نخبگان شود.

از طرف دیگر وقتی انسان توانایی تغییر شرایط پیرامون خود را نداشته باشد، با بایستی بماند، بسوزد، بسازد و دم نزند و یا آن محیط را ترک کند. نسل جدید راه اخیر را برمی‌گزیند، چون معتقدند در فصل مختلف زندگی‌شان با تناقض‌های بسیاری در عرصه‌های گوناگون مواجه بوده‌اند که همین خود عاملی بزرگ و اساسی در فرار بهترین مغزها در سال‌های اخیر شده است.

به نظر می‌رسد توجه به کلام نبیان‌گذار انقلاب اسلامی که: «(مردم ولی‌نعمت ما هستند؛ و ما باید این معنا را در قلیمان احساس کنیم که با این ولی‌نعمت‌های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد...)» و دست برداشتن از بی‌توجهی به نسل جوان و پویای وطن می‌تواند تا حد زیادی از تناقض‌های فکری و رفتاری بکاهد، آمار مهاجرت را تقلیل دهد و از آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن کمر کند.

سوئیتز ۱ این پژوهشگر اجتماعی با بیان اینکه هویت ملی مهم‌ترین سرمایه اجتماعی و فرهنگی هر کشوری محسوب می‌شود، عنوان کرد: تحقیقات مورخان و پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد آنچه که کشورها را از گزند حوادث و اتفاقات در طول تاریخ مصون کرده هویت ملی و میهنی است؛ در واقع هر کشوری که به هویت ملی خود بیشتر اهمیت دهد در تمام عرصه‌ها موفق‌تر عمل کرده باشد.

سوئیتز ۲ پژوهشگر و پیشگسوت اجتماعی با بیان اینکه بیگانگی با هویت ملی از همان دوران کودکی و آغاز آموزش از مهدکودک‌ها شروع می‌شود، تصریح کرد؛ زمانی که دانشجویان رشته تاریخ و جغرافیای این مملکت اطلاعات جامع و کافی از کشور خود نداشته باشند بطور می‌توان انتظار داشت قدر هویت ملی خود را دانسته و نگهدار آن باشد.

سوئیتز ۳؛ جامعه‌شناس اجتماعی افزود؛ در کشورهای غربی از طریق نمایش برنامه‌های کودک مثل تام و جری، لوک خوش‌شانس و غیره سعی می‌کنند که کودک خود را با هویت ملی آشنا کرده و او را بر اساس قواعد و موازین ملی خود پرورش دهند.

قرائی‌مقدم با بیان اینکه بیکاری نقش بسزایی در افزایش مهاجرت جوانان دارد، عنوان کرد؛ اما شواهد نشان می‌دهد تعداد بیشماری از افراد کارمند و دارای شغل و منصب نیز در سال‌های اخیر از کشور خارج شدند؛ این امر نشان‌دهنده آن است که عوامل پشت پرده دیگری مثل بی‌توجهی به خواسته، نیاز و هویت ملی در مهاجرت افراد تأثیرگذار خواهد بود.

وی با بیان اینکه بیشتر جوانان فریب تبلیغات کشورهای مهاجرت‌پذیر را می‌خورند و بعد از مهاجرت متوجه می‌شوند که سرابی بیش نبوده است، اذعان کرد؛ در این شرایط افراد برای تأمین معیشت خود به کارهای بسیار ابتدایی با ساعات کار بسیار زیاد تن می‌دهد.



افزایش مهاجرت هم‌بستگی اجتماعی را

از بین می‌برد

این جامعه‌شناس اجتماعی افزود؛ افزایش مهاجرت هم‌بستگی اجتماعی را از بین می‌برد چراکه فرد با پول این مملکت درس خوانده است و زمانی که موقع بهره‌برداری از تخصصش فرا می‌رسد به دلایلی همچون نابرابری‌ها، فشار اقتصادی، عدم توجه به هویت ملی و غیره ترجیح می‌دهد در کشور دیگری خدمت کند.

حال با توجه به آنچه گفته شد کشور ایران با داشتن تاریخ و تمدن بسیار درخشان هویت ملی گسترده‌ای دارد که باید به آن پرداخته شود این در حالی است که گویا این امر بسیار مهم در کشور ما به دست فراموشی سپرده شده چراکه اثری از حفظ و تقویت در هیچ‌کدام از مقاطع تحصیلی، آموزش و پرورش، صدا و سیما، برنامه‌های فرهنگی و غیره دیده نمی‌شود.

تاریخ و جغرافیای این مملکت اطلاعات جامع و کافی از کشور خود نداشته باشند بطور می‌توان انتظار داشت قدر هویت ملی خود را بدانند و نگهدار آن باشند.

قرائی‌مقدم با بیان اینکه ایران کشوری است که بالغ بر ۹ هزار سال تمدن دارد، یادآور شد؛ بسیاری از مراکز علمی و پژوهشی همانند دانشگاه جندی‌شاپور اهواز برای نخستین‌بار در ایران شکل گرفته اما ضعف اطلاع‌رسانی و آموزش همراه با تبلیغات بسیار جذاب سایر کشورها باعث شده تا بسیاری از جوانان مهاجرت کنند.

وی افزود؛ این در حالی است که در کشورهای غربی از طریق نمایش برنامه‌های کودک مثل تام و جری، لوک خوش‌شانس و غیره سعی می‌کنند

تا کودک را با هویت ملی آشنا کنند و او را بر اساس قواعد و موازین ملی خود تربیت و پرورش دهند.



ایرانی بمانیم اما از تمدن غرب عقب

نمانیم

وی با تأکید بر اینکه در همه زمان‌ها باید ایرانی بمانیم اما از تمدن غرب عقب نمانیم، توصیه کرد؛ به‌واقع برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان و جوانان باید در راستای تلاش برای حفظ تمدن ملی خود، باید سعی کنیم که روزبه‌روز پیشرفت

کرده و از تمدن غرب عقب نمانیم. این جامعه‌شناس گفت؛ عوامل دیگری همچون اقتدارگرایی، فامیل‌گرایی، بیکاری، خانواده‌سالاری بر مهاجرت افراد تأثیرگذار خواهد بود.



بیکاری بر افزایش مهاجرت تأثیرگذار

است اما چرا صاحبان مشاغل مهاجرت می‌کنند؟!